

یک شنبه ۱۴۰۵/۲/۲۲-۱۴۴۷/۲/۲۲-۱۰ مه ۲۰۲۶-درس ۱۴۰ فقه الروابط از فقه مدیریت رفتار سازمانی از فقه الاداره از فقه معاصر- نقشه راه مصباح الشریعه - معملات اربعه - معامله رابعه- معامله الدنیا- اصول بسبعه - اصل اول الرضا بالدون - سیره عقلاء

❖ مسئله‌ی ۱۴۰: کارکنان نباید مخارج امور فرهنگی و تبلیغی و تربیتی و... را هزینه حساب کنند، ولی باید رعایت حداقل ممکن را در همین موارد نیز بنمایند و دچار اسراف نشوند تا فائده‌ی مرتبه‌ی حداکثری را نصیب فرد، گروه و سازمان کنند

عقلاء عالم مدیریت و سازمان در نظام شایستگی، به کارکنانی که هزینه‌ی کمتری می‌تراشند و خدمت بهتر و بیش‌تری ارائه می‌دهند نمره‌ی بالاتری می‌دهند و رکن بهره‌وری را کارایی می‌دانند که جذب هزینه‌ی قلیل برای فائده‌ی کثیر است. بناء عقلاء و سیره‌ی آن‌ها بر این فرهنگ صرفه‌جویی است به عنوان پشتوانه‌ی رفتار سازمانی بهره‌ورانه، و الا مذمت می‌کنند یا ممدحت نمی‌کنند. کارگزار هزینه‌تراش در ارزیابی و ارزشیابی عقلای مدیریت ممدوح نیست. این سیره قطعاً غیرمردوعه است، لما مَرَّ مَنَّا آنفًا و سابقًا. بلکه مؤید است به آموزه‌های وحی و عصمت، کما مَرَّ. لذا تعامل «الرضا بالدون» با دنیای سازمان، تعاملی عقلایی و ممدوحه و محبوبه است عرفاً و شرعاً و باید به فرهنگ سازمانی رفتار ساز بدل شود. البته عقلاء در سیره‌ی خود برخی هزینه‌ها را درآمد و سرمایه‌گذاری حساب می‌کنند، هرچند زیاد باشند، مثل هزینه‌ی تبلیغات برای مجموعه‌های نوظهور یا خدمات نوین و نیز برای جلب حمایت‌های مدنی و به‌دست آوردن بازار و معرفی کالا و... . هم‌چنین در مدیریت منابع انسانی نخبگانی و کارآمد هزینه‌ها، فائده حساب می‌شوند، مثل هزینه‌ای که والدین برای تربیت فرزندان خود صرف می‌کنند تا رشد کنند.

مسئله این است که این سیره با اصل «الرضا بالدون» و «خفت مؤونة» و «قناعت» که مکرر گفتیم چه نسبتی دارد؟ سیره‌ی بهره‌وری و کارایی که مدح هزینه‌ی کم می‌کند و سیره‌ای که هزینه را در موارد مذکوره فائده برمی‌شمارد آیا متناقض نیست؟ شرع کدام را ردع و کدام را تأیید می‌کند؟

پاسخ اجمالی: هر دو سیره مورد تأیید است و تناقضی در بین نیست، لما سیأتی.

پاسخ تفصیلی: در تفسیر تعامل «الرضا بالدون» گفته شد که اسراف و اقتار دو نقطه‌ی افراط و تفریط در این مقوله هستند. مهم تولید منفعت و فائده است که با حداقل هزینه‌ی ممکن استحصال شود. این حداقل در ساحت تولید کالا و تربیت ممکن است دو تراز داشته باشد، ولی باز حداقل است. مثلاً در سیره‌ی مدیریت منابع انسانی عقلایی هزینه، هزینه نیست، فائده و سرمایه است. ولی باز هم می‌تواند حداقل باشد و مسرفانه و مترفانه نباشد و مقتزانه هم نباشد، یعنی نگوییم چون هزینه محسوب نمی‌شود پس چک سفید بکشیم. اتفاقاً تسلیم فرزندان در تحمیل هر نوع هزینه و فراهم کردن رفاهیات بیش از حد هم خلاف سیره‌ی عقلاییه در تدبیر منزل است، فافهم. لذا در اخبار از قدری سختی دادن هم در تربیت دفاع بلکه توصیه شده است. چه‌بسا آیات و اخبار باب ابتلاء نخبگان برای بروز تاب‌آوری آنان ظاهر در همین مدعا است، کقوله تعالی: «وَلِتَبْلُوْنَكُمْ بِشَیْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَنَشِّرِ الصَّابِرِینَ»^۱. مواد ابتلاء در این آیه تماماً با سختی توأم است. و تأکید معصوم بر این که خداوند وقتی بنده‌ای را دوست دارد «غته بالبلاء غتاً»^۲، یعنی او را در سختی غوطه‌ور می‌کند، ولی همین خداوند در سیره‌ی ربانی خود از اسباب نعمت

^۱ بقره: ۱۵۵

^۲ عَدَّةٌ مِّنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُبَيْدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلُوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ وَ عِنْدَهُ سَدِيرٌ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا غَتَّهُ بِالْبَلَاءِ غَتًّا وَ إِنَّا وَ إِنَّا كُمْ يَا سَدِيرُ لَنُصْبِحَ بِهِ وَ نَمْسِي. (کلینی، الکافی (ط الإسلامية)، ج. ۲، ص. ۲۵۳) مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ الْوَلِيدِ بْنِ عَلَاءٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا غَتَّهُ بِالْبَلَاءِ غَتًّا وَ نَجَّاهُ بِالْبَلَاءِ نَجًّا فَإِذَا دَعَاهُ قَالَ لَبَّيْكَ عَبْدِي لَبَّيْ عَجَلْتُ لَكَ مَا سَأَلْتَ إِنِّي عَلَى ذَلِكَ لَقَادِرٌ وَ لَبَّيْ اذْخَرْتُ لَكَ فَمَا اذْخَرْتُ لَكَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ. (همان، ج. ۲، ص. ۲۵۳) غَتًّا كَذَلِكَ. وَ عَتَّ الْقَوْلُ بِالْقَوْلِ، وَ الشَّرْبُ بِالشَّرْبِ، يَغْتُهُ غَتًّا: اتَّبَعَ بَعْضُهُ بَعْضًا. وَ غَتَّهُ بِالْأَمْرِ: كَدَّهُ. وَ الْعَتَّ وَ الْعَطَّ سَوَاءٌ، كَأَنَّهُ أَرَادَ عَصْرَنِي عَصْرًا شَدِيدًا حَتَّى وَجَدْتُ مِنْهُ الْمَشَقَّةَ، كَمَا يَجِدُ مِنَ الْمَاءِ قَهْرًا. وَ غَتَّهُ خَفِيفًا يَغْتُهُ غَتًّا: عَصَرَ خَلَقَهُ نَفْسًا، أَوْ نَفْسِينَ، أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ. وَ غَتَّهُ فِي الْمَاءِ يَغْتُهُ غَتًّا: غَطَّه، وَ كَذَلِكَ إِذَا أَكْرَهَهُ عَلَى الشَّيْءِ حَتَّى يَكْرِهَهُ. وَ يَقَالُ: غَتَّهُ الْكَلَامَ غَتًّا

هم می‌فرماید، لعموم قوله تعالى: «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً».^۲ ولی خداوند مالک و مدبر عادل است مراعات اقتضائات را می‌کند. حال مدیران و کارگزاران که مربوط رب العامين هستند باید تعادل را حفظ کنند و فضیلت «الرضا بالدون» را در تعامل با دنیا مراعات کنند و نباید فراموش کرد که متعلق «الرضا بالدون» دنیاست که ناظر بر منابع غیرانسانی است، لما مرّ.

خلاصه این که هزینه برای تبلیغات و امور فرهنگی و انقلابی و... هرچند در دید عقلاء مدیریت هزینه حساب نمی‌شود، ولی مانع از رعایت حداقل‌ها نیست، ولو هزینه نیست، ولی حداقل دارد و دون دارد که باید به آن راضی بود، ولی خروجی اکثری داشت.

فتحصل که کارکنان نباید مخارج امور فرهنگی، تبلیغی و تربیتی و... را هزینه حساب کنند، ولی باید رعایت حداقل ممکن را در همین موارد نیز بنمایند و دچار اسراف نشوند تا فائده‌ی مترتبه‌ی حداکثری را نصیب فرد، گروه و سازمان کنند.^۴

إِذَا بَكَتْهُ تَبَكُّيَةً. وَ قَالَ: وَ الْمُعْتَوَاتِ الْمَعْمُومِ. وَ عَتَّ الدَّابَّةَ طَلْقًا أَوْ طَلَقَيْنِ يُعْتُّهَا: رَكَضَهَا، وَ جَهَدَهَا، وَ اتَّعَبَهَا. وَ عَتَّهَ اللَّهُ بِالْعَذَابِ عَتًّا كَذَلِكَ. وَ عَتَّ الْقَوْلَ بِالْقَوْلِ، وَ الشُّرْبَ بِالشُّرْبِ، يُعْتُّهُ عَتًّا: اتَّبَعَ بَعْضُهُ بَعْضًا. وَ عَتَّهَ بِالْأَمْرِ: كَدَّه. (ابن منظور، لسان العرب، ج. ۲، ص. ۶۳)

^۳ أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَافِي السَّمَاوَاتِ وَمَافِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ. (لقمان: ۲۰)

^۴ درس ۱۴۰ فقه الروابط از سلسله‌ی فقه الاداره، ۲۲ شهر ذی القعدة ۱۴۴۷.